

مهدویت و تاریخ اسلام

۲۱ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۰۳

در تفکر عرفانی شیعی وقتی که از ولایت مطلقه سخن به میان می آید لاجرم باید در مراتب هستی شناسانه سیر نمود و ولی بر حق را نه در زمین بلکه در آسمان ها جست؛ این جستجو نه در سیر تاریخی و نه در وجود جسمانی صاحب ولایت بلکه در مقامات قدسی و الهی گونه وی است.

از مسائل مهم و غامض تاریخ معنوی اسلام و ملل سابقه اعم از زرتشتی، مسیحی، یهودی، هندو و... توجه و اذعان به وجود منجی و رهاننده آخرالزمانی است تا با ظهور خویش ملت‌های مظلوم و دربند ظلمت و تاریکی را با نیروی ایزدی برهاند و عدل و داد را برقرار سازد.

در تاریخ اسلام نیز از همان قرون اولیه می بینیم که امر مهدویت و توجه به منجی، مساله ای اساسی و حیاتی است، چنان که در بحث ملل و نحل از مهدی های نوعیه ای سخن به میان می آید که در دوره های مختلف به ظهور رسیده و مصدر تحولات عدیده اجتماعی - سیاسی شده اند.

می توان در تاریخ اسلام اولین توجه به مهدویت و ابراز آن را به زمان امام علی(ع) رساند که در آن عصر سبائیه قائل به مهدویت حضرت شده و شهادت وی را انکار کردند. البته اگر هم به سببه تاریخی ابن سبا مشکوک باشیم، نباید از فکر سبائیه غفلت کرد. شهرستانی در این باره در ملل و نحل می نویسد: «[ابن سبا] و به زعم فاسد بر آن رفته که «مرتضی» رضی الله عنه کشته نشده و در وی جزوی از اجزای الهی موجود است و هیچ فردی از افراد بر «مرتضی» رضی الله عنه مظفر و فیروز نگردد. . . زود باشد که فرود آید و جهان را به «عدل» چنانکه از جور پر شده است مملو سازد». ۱

بعد از این شاهدیم که کیسانیه در مورد محمد حنفیه همین موضع را اتخاذ نمودند و ایشان را مهدی نامیدند ۲ و اینچنین است احوال ناووسیه درباره امام جعفر صادق(ع) و واقفه در مورد امام موسی کاظم(ع) و بسیاری از این امور که در طول تاریخ با دعاوی مهدویت جریان های تاریخی به راه انداخته اند و هرج و مرج ها و قتال بسیاری را باعث گردیده اند، البته برخی از این قیام ها برای اهداف سیاسی و برخی دیگر تنها ابزاری برای رهایی قشر ستمدیده از ظلم و جور حکام بوده است.

مورد دیگر درباره موعودگرایی و مهدویت توجه به نواب عام آن حضرت است، این موضوع نیز از مواردی است که در طول تاریخ و از همان زمان غیبت امام دوازدهم مورد مناقشه بوده است و بسیاری از این فرصت در نهان و آشکار استفاده کرده دعوی نیابت حضرت کرده اند و از این راه مطامع شخصی و سیاسی خود را جامه عمل پوشانده اند. در دوران نواب خاص، تاریخ شیعه نام کسانی همچون شلمغانی و در ادوار بعد کسانی مانند علی محمد شیرازی (باب) را ضبط کرده اند که به گزاف مدعی نیابت حضرت

قائم شده اند.

اما از دیدگاه عرفانی بخصوص عرفان خاص شیعی که در باطن ولایت مطلقه سیر می نماید و مقامات معنوی انسان کامل را که مظهر تام آن خلیفه خداوند بر روی زمین است مورد کنکاش روحی قرار می دهد، مفهوم مهدویت و منجی آخر الزمانی امری فوق مرتبت انسان عادی است.

در تفکر عرفانی شیعی وقتی که از ولایت مطلقه سخن به میان می آید لاجرم باید در مراتب هستی شناسانه سیر نمود و ولی بر حق را نه در زمین بلکه در آسمان ها جستجو این جستجو نه در سیر تاریخی و نه در وجود جسمانی صاحب ولایت بلکه در مقامات قدسی و الهی گونه وی است.

هانری کربن در این باره می نویسد: «شرح احوال امام دوازدهم که در مورد تولد و غیبت او با سخنان رمزآمیز گفته شده فراوان است. باید بی درنگ تذکر دهیم در این مورد نقد تاریخی به جایی نخواهد رسید. این مطلب مربوط به امری است که ما آن را به عنوان تاریخ مقدس مشخص کردیم. در این مورد باید به عنوان نادره شناسی و پدیده شناسی مبادرت به کار و جستار کرد یعنی باید مراد و مطلوب ضمیر شیعه را کشف کرد و به مطالعه آن پرداخت تا در نور راهنمایی آن امری را که از سرچشمه و مبانی بر ضمیر و وجدان شیعه مکشوف شده بازشناخت.»^۳

شاید بتوان گفت منظور محقق و شرق شناس ارجمند هانری کربن به طور واضح این است که امر مهدویت را باید نه در عقل و نقل، بلکه در زی اشراقات معنوی سالکان حقیقی شیعی و ولایتمداران باطنی جستجو کرد تا امر امام غایب به شفافیت بیشتری ادراک گردد.

ملاعبدالله زنوزی برای شناخت مراتب حقیقی نبوت و ولایت سنخیت و ایجاد نسبت معنوی را (که از طریق سلوک روحی و سیر در بواطن روحانی عوالم غیبی حاصل می گردد) لازم می شمارد: «ولیکن بدانید ای صاحبان بصیرت و فطنت و ای طالبان معرفت که مقام فنا، و فنای در فنا، و مقام بقای بعد از فنا، به اصالت و تمامیت و به حقیقت و بالذات، مقام خاتم نبوت و خاتم ولایت است، بعد از آن برای کسی که در میانه او و آن دو صاحب ولایت، نسبت معنوی و رابطه حقیقی متحقق شود و این نسبت معنویه را مراتب مختلفه و درجات متفاوته است و مقامات غیرمحصوره بلکه غیر متناهی است و سبب میراث معنوی این و آن سبب معنوی است. و مراد از میراث معنوی مراتب ارث معنوی انکشاف حقایق غیبیه و معانی غیبیه و معارف حقیقیه است.»^۴

حال، عرفای سترگ شیعی و میراث داران معنوی این میراث عظیم بر آنند که کسی جز آخرین فرد از ثلثه حیدر کرار را آن قدرت روحی و دم مسیحایی نیست که بتواند موعود و منجی بشریت باشد تا به امر پروردگار لباس تجسد پوشد و زمین را از لوث وجود اهریمن و اهریمن صفتان پاک گرداند و تمامی مظاهر شر را معدوم نماید و در نهایت انسان ها را به فطرت نخستین خویش سوق دهد؛ از این رو ما شیعیان به گفتار فرزندگان بر آنیم که روزی آن نگار پرده نشین به امر حق تعالی پرده از رخسار بر می افکند و جمال دل آرای نور افشانش را می نمایاند و یوسف وار همه را شیفته خویش خواهند کرد و دیگر اهریمن از تاب نورانیت او نتواند قدم از قدم بردارد و مدینه فاضله و عدل حقیقی عینیت می یابد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/27128/اسلام-تاریخ-مهدویت>